

ترور یا رحلت «مجتهد اول»؟

واکاوی ماجرای درگذشت آیت‌ا... میرزاحبیب خراسانی

مرضیه ترابی| آیت‌ا... میرزاحبیب خراسانی یکی از چهره‌های تأثیرگذار تاریخ معاصر مشهد است. عموما او را با عنوان عالم، فقیه و عارف برجسته می‌شناسند؛ سراینده اشعار نغز و غزل‌های زیبایی که برای بسیاری از ما آشناست؛ «از داغ غمت هر که دلش سوختنی نیست/ از شمع رخت محفلش فروختنی نیست»؛ با این حال، شخصیت میرزاحبیب وجه دیگری هم دارد که شاید در میان عموم کمتر شناخته شده باشد؛ او یکی از مدافعان اولیه نهضت مشروطیت بود که به‌دنبال مخالفت با مشی مشروطه‌خواهان، تهدید شد و به‌طرز مشکوکی درگذشت. رحلت میرزاحبیب یکی از معماهای پرباهام در تاریخ مشروطیت مشهد است. فرزندش، «علی حبیب»، در مقدمه دیوان پدرش، به این موضوع اشاره می‌کند و اعتقاد دارد که درگذشت این چهره نامدار معاصر، طبیعی نبوده است. در این گزارش کوشیده‌ایم ضمن معرفی میرزاحبیب خراسانی و پرداختن به وجه نادیده شخصیت او، درباره احتمال وقوع قتل وی نیز اطلاعاتی را به شما خوانندگان عزیز و ارجمند ارائه کنیم.

- درباره «میرزاحبیب»

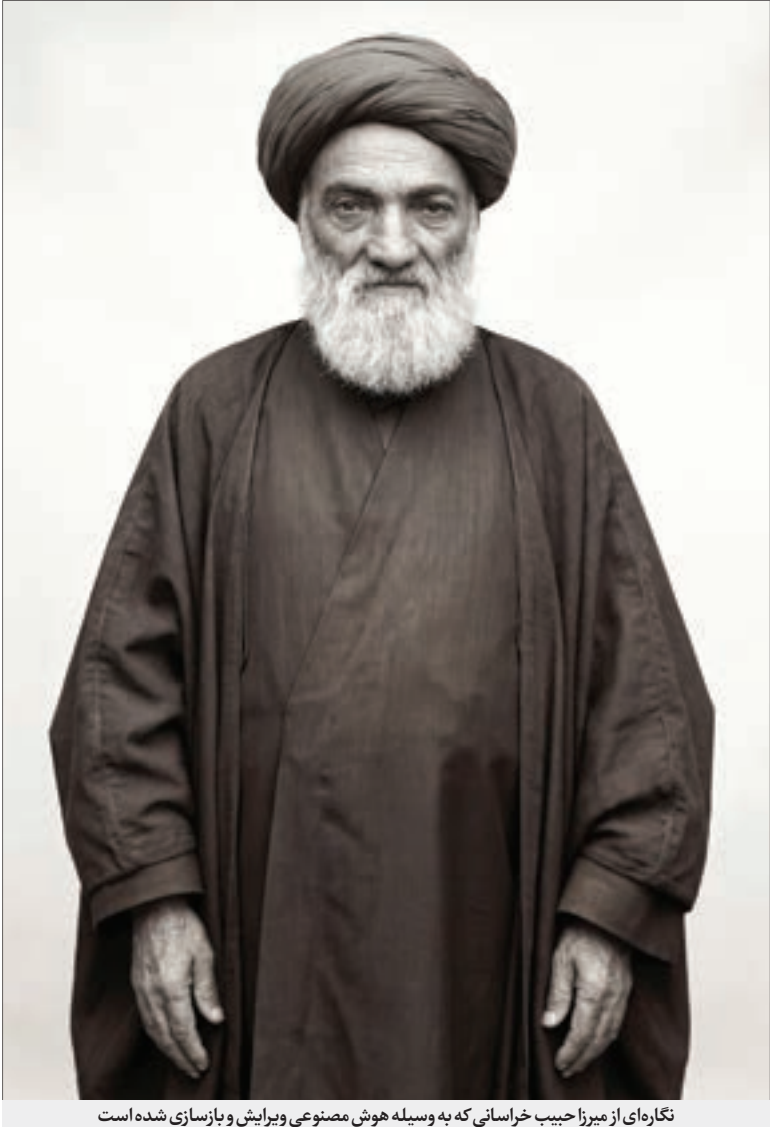
همان‌طور که اشاره شد، آیت‌ا... میرزاحبیب خراسانی از علمای بنام و تأثیرگذار خطه خراسان و شعرای شهر عصر مشروطه در این شهر بود. طبق گزارش علی حبیب در مقدمه «دیسوان حاج‌میرزا حبیب خراسانی»، او در ۹جمادی الاولی ۱۲۶۶قمری (۳فروردین ۱۲۲۹ خورشیدی) در مشهد به دنیا آمد. «میرزاحبیب» پس از فراگرفتن مقدمات، به نجف‌اشرف رفت تاتحصیلات دینی خودراتکمیل کند. در همین ایام بود که با عارفی صوفی مسلک به نام «میرزاهمدی گیلانی» آشنا و به عبادت و ریاضت شرعی متمایل شد. «میرزاحبیب»، «میرزاهمدی» را با خود به مشهد آورد و به این ترتیب حلقه‌ای معرفتی شکل‌گرفت که اعضای به «اصحاب سراج» معروف شدند. دلیل این شهرت، جمع شدن آن‌هادر اتاقی کوچک موسوم به «سراج» بود که در مجاورت مسجد گوهرشاد قرار داشت؛ با این حال، نشست‌های آن‌ها تنها جنبه عبادی پیدا نمی‌کرد و درباره مسائل روز هم به گفت‌وگو می‌پرداختند. غلامرضا جلالی در مقاله مفصلی که درباره «اصحاب سراج» به رشته تحریر درآورده است، می‌نویسد که آن‌ها، بعد از انجام عبادت‌های معمول و گفت‌وگو، از سراج خارج می‌شدند و ضمن گفتن در کوچه و خیابان، به هر نیازمند کمک، یاری می‌رساندند و حتی در ساخت بنای خانه‌ها و مانند آن هم به‌عنوان کارگر، شرکت می‌کردند. این مسئله باعث محبوبیت «اصحاب سراج» در میان مردم شد. غلامرضا جلالی درباره فعالیت‌های روشنگرانه اصحاب سراج هم می‌نویسد: «زین‌العابدین سبزواری از اصحاب سراج که بعدها در جنبش مشروطه با عنوان ریاست طلاب خراسان به پشتیبانی از مشروط بر خاست و از این روی به رئیس‌الطلاب شهرت یافت، صبح‌ها، در اوج محبوب بودن اصحاب سراج و سال‌ها پیش از انقلاب مشروطه، در یکی از شبستان‌های مسجد جامع گوهرشاد، جلوس می‌کرد و تااذان ظهر، به بحث و گفت‌وگو درباره مسائل اجتماعی سیاسی برای طلاب می‌پرداخت. از جمله جستارهایی که در این نشست‌ها از او نقل کرده‌اند[موضوع] پیشرفت کشورها و ملت‌های غرب در علم و صنعت، واپس ماندگی مسلمانان در امور دینی و دنیوی، تعصب‌های بیپوده و عمر بر بادده شیعه و سنی است. مردم مشهد، در سال ۱۳۰۳قمری (۱۲۶۴ خورشیدی) به پشتیبانی از اصحاب سراج و شخص حاج میرزاحبیب و حاجی‌فاضل برخاستند. این اید از آن روی بود که اصف‌الدوله (حاکم وقت خراسان)، دستور تبعید رهبران اصحاب سراج را از مشهد به درگز و کلات صادر کرده بود. ظاهرا درگیری میان اصحاب سراج و حاکم خراسان بر سر ستم‌های جانکاه وی نسبت به مردم بود. با تبعید تعدادی از اصحاب، جمع سراج از هم پاشید و «میرزاحبیب» نیز به سامرا هجرت کرد و به تکمیل تحصیلات خود نزد «میرزای بزرگ شیرازی»، صاحب فتاوی تنباکو، پرداخت و به‌دلیل استعدادش، خیلی زود در زمره‌شاگردان خاص وی قرار گرفت. «میرزاحبیب» سال‌ها بعد و در کسوت مجتهدی میرز و توانا، به مشهد بازگشت و به‌تدریس و رسیدگی به امور دینی مردم پرداخت و به‌دلیل حسن سلوکش با مردم، محبوبیتی بسیار پیدا کرد.

- مجتهد نواندیش و پیش‌رو

آیت‌ا... میرزاحبیب خراسانی مجتهدی نواندیش و پیش‌رو بود. او در دوران فعالیت مذهبی در مشهد، از انجام عزاداری‌های وهن‌انگیز جلوگیری می‌کرد. وی که با زبان فرانسه در زمان اقامت در سامرا آشنا شده بود، ضمن مطالعه روزنامه‌های غیرفارسی، از وقایع اطراف و اکناف جهان به‌صورت روزانه مطلع می‌شد و به‌همین دلیل در آغاز نهضت مشروطه، به آن خوش‌بین بود. درواقع نظر مساعد «میرزاحبیب» نقش مهمی در پذیرش مشروطه از سوی مردم مشهد داشت؛

برای از میان برداشتن میرزا حبیب خراسانی، مشروطه‌خواهان تندرو تصمیم گرفتند مشکل پیش آمده را با حرکتی قهراً حل کنند. آن‌ها در ۲۷شعبان سال ۱۲۲۷قمری (۲۲شهریور ۱۲۸۸ خورشیدی)، به بهانه رفع کدورت به دیدار «میرزاحبیب خراسانی» در «بحرآباد» رفتند.

طبق گزارش علی حبیب، در زمان این دیدار کسی از اطرافیان «میرزاحبیب» در «بحرآباد» نبود. تنها خادم مخصوص مجتهد اول نیز برای انجام کاری به بیرون از منزل فرستاده شد. او برای حاضران مقداری شربت قره‌قات (تشکک کوهی) فراهم کرده بود.



نگاره‌ای از میرزا حبیب خراسانی که به وسیله هوش مصنوعی ویرایش و بازسازی شده است



دو نمونه از اشعار میرزا حبیب خراسانی

بااین‌حال، برخورد وی با مشروطه‌خواهان، برخوردی توأم با احتیاط بود و هیچ‌گاه این تأیید، به‌صورت همه‌جانبه و صد در صد انجام نشد. «میرزاحبیب»، بیرونی منزل خود را که در حدود کوچه «چهارباغ» قرار داشت، در اختیار انجمن ایالتی خراسان قرار داد و آن‌ها جلسات انجمن را در همین محل برگزار می‌کردند.

- مقاومت درباره مشروطه‌خواهان تندرو

با وجود همکاری‌های میرزاحبیب با نهضت مشروطه، گروهی از مشروطه‌خواهان افراطی، به‌ویژه اعضای حزب «مجاهد» که توسط عناصر متمایل به جریان‌های تندرو و سوسیالیست قفقاز مانند «حیدرخان عمواوغلی» شکل گرفته بود، خواهان حمایت بی‌قیدوشرط «میرزاحبیب» بودند؛ زیرا بدون حمایت رسمی وی، عملاً کار آن‌ها در مشهد گره می‌خورد و مردم مذهبی این شهر، هیچ حمایتی از آن‌ها نمی‌کردند. اعضای حزب «مجاهد» که ظاهرا

مشروطه‌خواهان، تحت فشار می‌گذاشتند، آن‌ها در نخستین برخوردشان با «میرزاحبیب» پس از سقوط استبداد صغیر، فتح تهران و فرار محمدعلی‌شاه، از وی خواستند «احکام علمای اعلام را راجع به مشروطیت، امضا و تنفیذ» کند. اما «میرزاحبیب» که می‌دانست اصرار آن‌ها برای اخذ تأیید تنها برای این است که مستمسکی برای اجرای اهداف غیردینی به دست آورند، هربار با زبان ملایم و به‌گونه‌ای که کسی را تحریک نکند، از انجام این کار خودداری می‌کرد.

- افراطی‌ها وارد عمل می‌شوند

مدتی بعد، توهین و ناساگاری مشروطه‌خواهان افراطی آغاز شد و اوج گرفت. آن‌ها «محمدحسن بالاخیابانی»، از وابستگان «میرزاحبیب» را به بهانه انتقادات‌های تند از شیوه و عملکرد مشروطه‌خواهان، در مقابل منزل «میرزاحبیب» که محل برپایی انجمن ایالتی بود، به شدت مضروب کردند. این عمل باعث ناراحتی و درواقع ناامیدی «میرزاحبیب» از مشروطه و مشروطه‌خواهی شد و با وجود حمایت‌های پیشین، مشهد را به مقصد روستای «بحرآباد» ترک کرد و در ملک اجدادی خود در این منطقه گوشه عزلت‌گزید. اقامت طولانی مدت «میرزاحبیب» در بحرآباد (که امروزه به بخشی از مشهد تبدیل شده است و از قدیم به‌دلیل داشتن باغ‌های صفا مشهور بود و بزرگان شهر برای استراحت به آنجای می‌رفتند) مردم را به مشروطه‌خواهان بدبین کرد. به همین دلیل آن‌ها تصمیم گرفتند به هر شکل ممکن مجتهد اول را به مشهد بازگردانند. «میرزاحبیب» بازگشت خود به مشهد را موکول به یافتن حال زیارت کرد.

مدتی بعد، زمانی که وی به قصد زیارت وارد مشهد شد، استقبال پرشور مردم از مجتهد نخست شهر مشهد به‌گونه‌ای بود که همه صحن عتیق حرم مطهر و رواق‌های داخلی از علاقه‌مندان «میرزاحبیب» کُر شد. اعضای حزب مجاهد از این فرصت سوء استفاده کردند و برای آنکه به زعم خودشان او را در مقابل علمای دیگر قرار دهند، دوطلبه ساده‌لوح را با کاغذ و قلمی به سراغ «میرزاحبیب» فرستادند. علی حبیب در این باره می‌نویسد: «یکی‌شان با صدایی بلندتر از معمول، اظهار داشت: این است احکام علمای اعلام، کنرا!... امثالهم را راجع به وجوب مشروطیت، حضرت آقا هم خرق اجماع نفرمایید و مایه تشنت کلمه مسلمانان نگردید؛ به اینجای سخن که رسید، آقا (میرزاحبیب) برآشف و فریاد کشید؛ کدام ابله است که می‌خواهد تکلیف مرا به من تعلیم دهد؟ من تکلیف خود را بهتر از تو می‌دانم بدیخت!»

- تصمیم به هجرت از ایران

مجتهد اول مشهد پس از آن رودروییی ناخوشایند، حرم را ترک کرد و به «بحرآباد» بازگشت و تصمیم به هجرت از ایران گرفت. ابتدا می‌خواست از طریق روسیه و باکو، به عثمانی برود؛ اما مشروطه‌خواهان تندرو مانع شدند و حتی وقتی دیدند که میرزا حبیب با آن‌ها همراهی نمی‌کند، برای کم کردن حساسیت مردم تصمیم گرفتند که او را از سر راه بردارند. آن‌ها در ادامه، برای ترور او، افرادی را اجیر کردند و چون در این اقدام ناکام ماندند، او را که از مشهد حرکت کرده بود از میانه راه بازگردانند. میرزاحبیب ناامیدانه به مشهد بازگشت، ولی از تصمیم خود برای هجرت منصرف نشد و این‌بار تصمیم گرفت از راه هندوستان به مکه برود و مقیم شود. این اتفاق، یعنی هجرت مجتهد بنام و محبوب مشهد، مشروعیست مشروطه‌خواهان را در این شهر زیر سؤال می‌برد و باعث تشکیک بنیادین به اعتقادات این افراد، به‌ویژه تندروها می‌شد. این در حالی بود که هنوز کشمکش میان طرف‌داران استبداد و مشروطه‌خواهان در مشهد، به شیوه‌های گوناگون ادامه داشت و علاوه بر آن، روسیه تزاری نیز در امور داخلی شهر به‌شدت دخالت می‌کرد.

حکایت درگذشت مشکوک

میهمانان از وی خواستند دنبال کارش برود و پذیرایی را به آن‌ها بسپارد و خادم، خواه ناخواه باید این دستور را می‌پذیرفت. او خیلی زود به منزل بازگشت و دید میهمانان رفته‌اند و «میرزاحبیب» نیز در گوشه اتاق از حال رفته است. ظاهرا میرزا بعد از این واقعه به حال طبیعی باز نگشت و به دیار باقی شتافت. علی حبیب و تعدادی از اطرافیان «میرزاحبیب خراسانی»، براساس شواهد موجود که درخور تأمل است، اعتقاد دارند که مشروطه‌خواهان تندرو، میرزا را مسموم کرده و به قتل رساندند.

درباره این مسئله هیچ‌گاه به صورت جدی

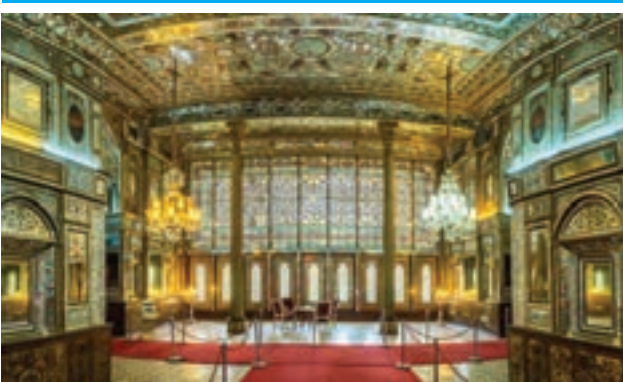
تحقیق نشد. اما کمتر از یک سال بعد در تهران نیز تندروها دست به کار ترور آیت‌ا... سیدعبدا... بهبهانی شدند و او را هم به قتل رساندند. نکته شایان بررسی و تأمل اینجاست که طبق روایت احمد کسروی در کتاب «تاریخ هجده ساله آذربایجان»، مسئولیت اجرایی ترور آیت‌ا... بهبهانی هم برعهده حیدرخان عمواوغلی، بانی و مؤسس حزب «مجاهد» در مشهد، بود.

تشییع جنازه «آیت‌ا...میرزاحبیب خراسانی»، با شکوه خاصی از «بحرآباد» آغاز شد و جمعیت کثیری از مردم مشهد و روستاهای اطراف در مراسم شرکت کردند.

تاریخ نگار

به بهانه ثبت جهانی «هنر آینه کاری در معماری ایران» (قسمت سوم)

آینه‌بندان



هادی دقیق‌ادر شماره پیشین از یک کاربرد غیرمعمول آینه در تاریخ گفتیم، استفاده از آینه‌های فلزی در جنگ. در این شماره قصد داریم قدری از تاریخ معماری ایران بگویم، البته از جایی که پای آینه‌های شیشه‌ای به در و دیوار تالارها باز شد. همین روزها، پرونده‌ای از یک میراث ناملموس، با عنوان «هنر آینه‌کاری در معماری ایران» در فهرست آثار جهانی یونسکو ثبت شد. این ثبت جهانی می‌تواند هنر آینه‌کاری ایران را قدری از جایگاهی که دارد بالاتر ببرد، هنری که بی‌اغراق چشم‌نوازش به هیچ بیننده‌ای اجازه نمی‌دهد ساده از کنار آن عبور کند.

تالار آینه اصطلاحی است که در معماری ایران زیاد شنیده‌ایم. جالب است که نخستین تالار آینه ایران یک بنای سنگی مربوط به دوره هخامنشیان است. کاخ تچر یا همان کاخ زمستانی داریوش یکم به‌دلیل داشتن سنگ‌های خاکستری و سیاه بسیار صیقلی، به تالار آینه معروف شده است. شفافیت این سنگ‌ها به‌ویژه در قسمت داخلی پنجره‌ها به‌حدی است که تصویر فرد مقابلش به خوبی در آن منعکس می‌شود.

پیش‌تر هم گفتیم که آینه‌های نخستین از مس بودند، بعدها برنزی شدند و لایه‌های نقره‌رویشان زدند. درکل باتوجه‌به شواهد تاریخی، تقریباً تا دوره صفویه خبر چندان‌ای از آینه‌های شیشه‌ای نیست. حتی متون ادبی هم این موضوع را تأیید می‌کنند؛ آنجا که آینه‌های شکستنی از همین دوره به ادبیات فارسی وارد می‌شوند. از صائب: «بر چراغ دیده من نوری تاب‌ی فرود/ آن‌که از سنگین دلی آیینه ما را شکست.» با وجود این، نوعی آینه‌های فلزی با الیازهای خاص هم بودند که می‌شکستند و چون از چین می‌آمدند، به آینه چینی معروف بودند. یا بی‌تی دیگر: «از قضا آیینه چینی شکست/ خوب شد اسباب خودبینی شکست.» یا همه این‌ها، می‌شود دوره صفویه را دوره گذار از آینه‌های فلزی به شیشه‌ای دانست. البته آینه‌های فلزی در این دوره دور ریخته نشدند، بلکه در کنار آینه‌های شیشه‌ای که قدری تجملی بودند، همچنان کاربرد داشتند.

- صفویان و هنر آینه‌کاری

آینه‌های شیشه‌ای ابتدا در اروپا تولید شدند و ونیز را می‌شود مهد این آینه دانست. با وجود این، وقتی این انحصار از ونیز گرفته شد، فرانسه بیشتاز تولید آینه‌های شیشه‌ای شد و تقریباً هم‌زمان با همین اتفاق، ساخت تالار آینه کاخ ورسای پاریس آغاز شد. آینه‌کاری تالار آینه کاخ ورسای با چیزی که در معماری ایران دیده می‌شود، متفاوت است؛ در آن نمونه اولیه، آینه‌های بزرگ در قاب‌های فلزی و گچی نصب شده‌اند، ولی آینه در معماری ایران در اندازه‌های کوچک و با ظرافت به تزئینات بنا افزوده شده است.

در «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» تعریفی از آینه‌کاری هست که تقریباً گویای کارکرد این هنر تزئینی در معماری دوره اسلامی ایران است: «آینه‌کاری هنر ایجاد اشکال منظم در طرح‌ها و نقش‌های متنوع، با قطعات کوچک و بزرگ آینه، به‌منظور تزئین سطوح داخلی بناست. حاصل هنر آینه‌کاری ایجاد فضایی درخشان و پرتلاؤ است که از بازتاب پی‌درپی نور در قطعات بی‌شمار آینه پدید می‌آید.» در نتیجه، آینه در دیوار، جدا از جنبه زیبایی و تزئینش، بار نورپردازی

فضا را هم به دوش می‌کشیده است.

شاید چندان دقیق ندانیم که آینه‌بندان و آینه‌کاری چه زمانی به معماری ایرانی افزوده شد، اما باتوجه‌به تاریخ ساخت آینه شیشه‌ای و آنچه از دورترین شاهد تاریخ در دست داریم، دیوان‌خانه شاه‌تهماسپ در قزوین نخستین نمونه آینه‌بندی است. این بنا سال ۹۵۱قمری ساخته شده است. بعدها با انتقال پایتخت صفویان از قزوین به اصفهان، این هنر به دیوار بناهای اصفهان هم راه یافت. معروف‌ترین بنای آینه‌کاری‌شده اصفهان «کاخ آینه‌خانه» بود، کاخی که در زمان سلطنت شاه صفی یکم (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲قمری) کنار پل خواجه ساخته شد اما در زمان شاهزاده قاجاری ظل‌السلطان که به‌شکلی دیوانه‌وار علاقه داشت کاخ‌های صفوی را تخریب کند، خراب شد.

با وجود این، پس از دوره صفویه تا دوره قاجار، فقط در نام یکی از فضا‌های کاخ وکیل شیراز به اسم آینه‌کاری برمی‌خوریم. این بنا مثل بقیه فضا‌های معماری مجموعه وکیل شیراز مانند حمام و مسجد بازار، خوشبخت نبود و خیلی زود، پس از فتح شیراز، یک آقامحمدخان قلندر را بالای سر خودش دید که قصد نابودی‌اش را داشت. ظاهراً آینه‌های کاخ وکیل به دارالاماره تهران منتقل شده‌اند و در جایی که امروز به نام ایوان تخت مرمر کاخ‌گلستان می‌شناسیم، استفاده شده‌اند.

- قاجاریه و شکوفایی آینه‌کاری

در ابتدای کاربرد آینه در تزئینات معماری در ایران، تقریباً از همان شیوه اروپایی و آینه‌های قدی و بزرگ استفاده می‌شد. با وجود این، به‌مرور گچ‌بری که در معماری ایران سابقه‌ای خیلی طولانی دارد، به آینه‌کاری اضافه شد و رفته رفته آینه‌کاری ایرانی را از اروپایی جدا کرد. نخستین نمونه تلفیق گچ‌بری و آینه را می‌توان در مقرنس‌های ایوان کاخ چهلستون اصفهان دید و بهترین نمونه‌اش را شاید بشود در همسایگی همین چهلستون، در کاخ هشت بهشت سراغ گرفت. در دوره قاجار با توجه به اینکه صنعت آینه‌سازی پیشرفت کرده بود، آینه‌های ظریفی به ایران وارد می‌شدند که به‌راحتی بریده و کوچک می‌شدند. در هنر ظریفی مثل آینه‌کاری، این موضوع مزیتی بزرگ محسوب می‌شد و دست هنرمند را بازتر می‌کرد. ضمن اینکه هنرمند دوره قاجار، آینه را به گره چینی ایرانی افزود و از دلش طرح‌هایی خلق کرد که پیش از این با گچ و آجر ساخته می‌شدند. در نتیجه، در این دوره برای تزئین بناهای مذهبی و حکومتی، خیلی از آینه‌کاری استفاده شده است. از این دوره فضا‌های آینه‌کاری‌شده‌ای موجود است که اوج شکوه آدین‌بندی با آینه در تاریخ ایران هستند؛ تالار آینه کاخ گلستان، تالارها و اتاق‌های شمس‌العماره، دارالسیاده حرم امام‌رضا^ع و خیلی از خانه‌های اعیانی قاجاریان. دوره ناصرالدین‌شاه را می‌شود اوج فعالیت هنرمندان آینه‌کار در نظر گرفت. در همین دوره، نخستین آینه‌کاری حرم امام‌رضا^ع، زیر روضه منوره انجام شد. در نتیجه شاخه‌ای جدا برای تزئینات و هنرمندان آینه‌کار در معماری ایران باز شد که پیش‌تر به این شکل حرفه‌ای نبود. روی هم رفته، قاجاریان طوری نقوش مختلف آینه‌ای را به در و دیوار بناهای ایران چسباندند که این هنر را بخشی جدایی‌ناپذیر از معماری سنتی ایران کرده است. هرچند امروز چندان کاربری عمومی نداشته باشد و آقبالش در بناهای مذهبی بیشتر از همه باشد، ادامه دارد...



قسمت اول گزارش تاریخ آینه‌کاری
قسمت دوم گزارش تاریخ آینه‌کاری
را در اینجا بخوانید



شماره ۱۲
 ۱۲۴۷
 ۱۲۴۷
 شماره ۱۲

شماره ۱۵

